

مقایسه هوش اجتماعی و جهت گیری دینی در بین دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی مقطع متوسطه ی شهر کرج

مهرنوش احمدی زاده شهر بابکی^۱، سیما سفیدگری^۲، اعظم عبدی^۳

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد کرج

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد کرج

^۳ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد کرج

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه هوش اجتماعی و جهت گیری دینی در بین دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی مقطع متوسطه شهر کرج می باشد. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه ی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ می باشد. حجم نمونه به تعداد ۲۰۰ نفر دانش آموز (۱۰۰ نفر عادی و ۱۰۰ نفر تیزهوش) می باشد که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه هوش اجتماعی تت (۲۰۰۸) و پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت (۱۹۵۰) استفاده شد. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون T مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر این است که بین میزان جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی تفاوت وجود ندارد ($p > 0/05$) و از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست. بین میزان هوش اجتماعی در افراد تیزهوش و عادی نیز تفاوت وجود ندارد ($p > 0/05$) و از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست.

واژه های کلیدی: هوش، هوش اجتماعی، جهت گیری دینی.

مقدمه

هوش یکی از چالش برانگیزترین مفاهیم تاریخ روان شناسی است. گفته می شود همان طور که افراد بشر از نظر شکل و قیافه ظاهری با هم متفاوتند به لحاظ خصایص روانی چون هوش، استعداد و... نیز با هم تفاوت های آشکاری دارند. مطالعه نوشته های دانشمندان و فلاسفه قدیم نشان می دهد که انسان از گذشته های بسیار دور متوجه این تفاوت بوده است (شریفی، ۱۳۸۶). هرگاه به هوش می اندیشیم مفهوم هوشبهر یا IQ به ذهن می آید که تا مدت ها تصور می شد که سنجش آن راهی سریع و مطمئن برای متمایز کردن افراد عادی از افرادی با عملکردهای استثنایی است (برادبری و گریوز، ۲۰۰۳).

این موضوع که بعضی افراد در برقراری روابط با دیگران از تبحر و مهارت بیشتری برخوردار هستند و از این مهارت به نحو احسن استفاده می کنند، باعث شده است تا پژوهش های دقیق و گسترده ای درباره ماهیت و کارکرد مهارت های ارتباطی و عواملی که بر آن تاثیر می گذارد، انجام شود. نتایج گویای این مطلب است که عوامل بسیاری در ایجاد ارتباط با دیگران و چگونگی تعامل با آن ها نقش دارند. گستردگی عوامل موفقیت ساز در روابط انسانی بسیار است و انسان های موفق کسانی هستند که از عوامل موفقیت در زندگی روزمره به صورت عملی و کاربردی استفاده کنند. یکی از این عوامل که در روابط بسیار تاثیرگذار است، هوش اجتماعی می باشد. افرادی که از هوش اجتماعی برخوردار هستند، می توانند با دیگران ارتباطی قوی و موثر برقرار کنند (سبزی، ۲۰۱۲).

افراد در موقعیت های اجتماعی یکسان عمل نمی کنند. این تفاوت های فردی در ادبیات روانشناسی به هوش اجتماعی^۱ اشاره دارد. هوش اجتماعی برای نخستین بار زمانی که ثرندایک^۲ هوش رادرسال (۱۹۲۰) به عنوان هوش اجتماعی، مکانیکی و انتزاعی تعریف کرد به صورت جدی مورد بحث قرار گرفت، وی هوش اجتماعی را به عنوان توانایی درک دیگران و رفتار عاقلانه در ارتباطات انسانی تعریف کرده است (دوقان و چتین^۳، ۲۰۰۹). هوش اجتماعی عبارت است از توانایی برقراری روابط بین فردی در گروه و همکاری با دیگران، استفاده از توان ذهن و جسم برای برقراری ارتباط با دیگران و درک بهتر آنان، رشد و توسعه روابط بین فردی و رفتار دوستانه در دیگران. در حقیقت ایجاد روابط سالم یا به دیگر سخن "سیاست برقرار کردن رابطه" یک توان خاص و ارجمند است که هوش اجتماعی نام دارد (بوزان^۴، ۲۰۰۵). به نظر سلز هوش اجتماعی می تواند به طور گسترده ای به عنوان یک نوع هوش که در پشت تعاملات و رفتارها قرار دارد، تعریف شود (سلز^۵، ۲۰۰۷). کراون^۶ آن را به عنوان دونوع هوش فردی که به دوجنبه هوش درون فردی^۷ و هوش بی فردی^۸ که شامل دانش و آگاهی در مورد خود و دیگران است تعریف کرده است (کراون، ۲۰۰۹). مطابق با نظر بوزان هوش اجتماعی متشکل از هشت عامل است:

۱. خواندن ذهن افراد و شناخت افراد با استفاده از علائم بدنی و ارتباط کلامی و غیر کلامی

۲. مهارت شنیداری فعال

۳. اجتماعی بودن

۴. تاثیر گذاشتن بر دیگران

۵. فعال بودن در زمینه های اجتماعی (محبوبیت)

۶. مشورت و حل مسائل به صورت اجتماعی

۷. ترغیب

1- Social Intelligence

2- Thorndike

3-Dogan&Çetin

4-Buzan

5-Sells

6- Crowne

7- Interpersonal intelligence

8- Intrapersonal intelligence

۸. درک چگونگی رفتار در زمینه های مختلف اجتماعی (بوزان، ۲۰۰۵).

هوش اجتماعی توانایی افراد برای ارتباط با دیگران، درک آنها و تعامل موثر با آنها می باشد که شامل شناخت احساسات دیگران، گوش دادن، توجه به وضعیت عاطفی و کمک به آنها در مدیریت احساساتشان است (بهشتی فر و روسایی، ۲۰۱۲). در مجموع هوش اجتماعی به عنوان توانایی به انجام رساندن وظایف و کارهای بین فردی و خردمندانه رفتار کردن در رابطه ها مطرح می شود. هوش اجتماعی به عنوان قابلیت شناخته می شود که به فرد اجازه می دهد که رفتار مناسب را جهت دستیابی به یک هدف مشخص داشته باشد. این طور به نظری می رسد که هوش اجتماعی به معنی باهوش بودن در رابطه ها است نه درباره آنها (کروان، ۲۰۰۹).

مذهب از ساختارهای اساسی جهت درک زندگی اجتماعی در جهان معاصر است. طی سال های متمادی که از عمر بشر و جامعه انسانی می گذرد، دین تنها گزینه ای است که تقریباً تمام انسان ها را در اختیار خود داشته است. جدا از ماهیت متنوع و مختلفی که دین در جهان داشته، تمامی مردم در ارتباط خود با جهان طبیعت و نیروهای موجود در آن اندیشه ای را برگزیدند. دین در عرصه اجتماع سال های متمادی حضوری چشم گیر داشته است (دیلان، ۲۰۰۳). جهت گیری دینی^۹ عبارت است از عملکرد فرد بر اساس باورهای دینی خود و بر دو نوع جهت گیری دینی درونی و جهت گیری دینی بیرونی است. جهت گیری دینی درونی عبارت است از: آن نوع دینداری که در آن فرد معتقد، به تمامی اعتقادات دینی خود پایبند است و تحت هر شرایطی به فرامین دینی عمل می کند. افراد دارای جهت گیری دینی درونی، سعی می کنند ارزش ها و باورهای دینی را درونی کرده و به طور کامل دنبال کنند، بدین معنا که این افراد با دین خود زندگی می کنند. از آنجا که این افراد تعالیم دینی را درونی کرده اند، بهتر می توانند با دیگران مدارا و رفتار کنند (کرمی، ۱۳۸۴). در دینداری درونی، فرد تلاش می کند که جنبه های غیر الهی و سکولار زندگی را با ایمان و ابعاد روحانی خود سازگار کند. از سوی دیگر، افراد دارای جهت گیری بیرونی، به لحاظ نظری دارای باورهای دینی هستند که فقط نقش ابزاری دارند و دین را صرفاً وسیله ای برای نیل به اهداف و مقاصد دیگر در نظر می گیرند (کرک پاتریک و هود، ۱۹۹۰). بر اساس نظریه آلپورت مذهب درونی، مذهبی فراگیر و دارای اصول سازمان یافته و درونی شده است. در حالی که مذهب بیرونی امری است خارجی و ابزاری که برای ارضای نیازهای فردی از قبیل مقام و امنیت مورد استفاده قرار میگیرد. منظور آلپورت از جهت گیری مذهبی درونی عبارت است از یک تعهد انگیزشی فراگیر که غایت و هدف است نه وسیله ای برای دستیابی به اهداف فردی (جان بزرگی، ۱۳۷۸).

بنابراین، هدف کلی از این پژوهش مقایسه هوش اجتماعی و جهت گیری دینی در بین دانش آموزان دختر تیزهوش و عادی مقطع متوسطه شهر کرج می باشد. به همین منظور فرضیه های زیر تدوین شده است:

۱- بین هوش اجتماعی دختران تیز هوش و عادی تفاوت وجود دارد.

۲- بین جهت گیری دینی دختران تیز هوش و عادی تفاوت وجود دارد.

پیشینه نظری پژوهش

حاجی زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی به این نتیجه رسید که هوش اجتماعی با شادکامی رابطه مثبت و با پرخاشگری ارتباط منفی دارد. میجس^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی ثابت کردند که هوش اجتماعی با میزان محبوبیت ارتباط دارد اما با پیشرفت تحصیلی رابطه ای ندارد. هارپریت و آشو (۲۰۰۴) نیز در مطالعه خود نشان دادند که افزایش موقعیت اجتماعی با سطح بالای هوش اجتماعی رابطه مثبت و معنی دار دارد و این رابطه در مردان بیشتر از زنان است. در پژوهشی که توسط مهرابی طالقانی و سهرابی (۱۳۹۰) با عنوان بررسی مقایسه رابطه جهت گیری دینی (درونی-بیرونی) با سخت رویی انجام شد نشان داد که بین جهت گیری دینی (درونی-بیرونی) و سخت رویی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که بین جهت گیری دینی دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود داشت، به این معنا که دختران در مقایسه با پسران، از

^۹- Religious orientation

^{۱۰}-Meijs

جهت گیری دینی درونی تر برخوردار بودند. موری-المدیا و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که رفتارهای مذهبی رابطه معناداری با شاخص های سلامت روان از جمله (رضایت از زندگی، خشنودی، احساس مثبت، روحیه بالا) داشته اند. پژوهش کرمی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می دهد رابطه معنی داری بین میزان جهت گیری مذهبی با میزان تاب آوری و امیدواری در دانشجویان وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه ای است. لذا به منظور تجربه و تحلیل داده ها، علاوه بر آمار توصیفی، از آزمون T مستقل استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرج، که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده اند، می باشد. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ دانش آموز (۱۰۰ نفر عادی و ۱۰۰ نفر تیز هوش) که به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند.

ابزار اندازه گیری

با توجه به موضوع پژوهش، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از دو پرسشنامه جمع آوری شد:

- پرسشنامه هوش اجتماعی تت
- پرسشنامه جهت گیری مذهبی (درونی - بیرونی) آلپورت

پرسشنامه هوش اجتماعی (تت^{۱۱}، ۲۰۰۸) : این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده دو گزینه ای است (بلی - خیر) که گزینه های آن با صفر و یک نمره گذاری می شود و نمره هر آزمودنی بین ۰ تا ۴۵ می باشد. امتیاز بیشتر به معنای هوش اجتماعی بالاتر است. آنگ تون تت (۲۰۰۸) پایایی و اعتبار این آزمون را در حد مطلوب و قابل قبولی گزارش کرده است (آنگ تون تت، ۲۰۰۸). این آزمون توسط صفاری نیا، سلگی و توکلی در ایران هنجاریابی شده است که آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۸، همبستگی دو نیمه آن ۰/۷۶ و قابلیت بازآزمایی آن ۰/۷۵ به دست آمد (صفاری نیا، سلگی و توکلی، ۱۳۹۰).

پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت^{۱۲} : آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰ این مقیاس را برای سنجش جهت گیری های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. این آزمون شامل ۲۱ جمله است. در این مقیاس، گزینه های عبارت های ۱ تا ۱۲ جهت گیری مذهبی بیرونی را می سنجد و ۹ ماده بعدی یعنی شماره های ۱۳ تا ۲۱ جهت گیری مذهبی درونی را اندازه گیری می کند. این مقیاس بر مبنای نمره گذاری لیکرت نمره گذاری می شود که دامنه آن از کاملا موافق تا کاملا مخالف است و به پاسخ ها نمره ۱ تا ۵ تعلق می گیرد. جمع امتیاز عبارت ها ۱ تا ۱۲ میزان جهت گیری مذهبی بیرونی آزمودنی و مجموع نمره عبارت های ۱۳ تا ۲۱ نمره جهت گیری مذهبی درونی او را مشخص می نماید. در مطالعات اولیه که بر این مینا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت گیری مذهبی بیرونی و درونی ۰/۲۱ است. این آزمون در سال ۱۳۷۸ ترجمه و هنجاریابی شده است. همسانی درونی آن توسط جان بزرگی و با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۷۱ و پایایی بازآزمایی آن ۰/۷۴ است (مختاری و همکاران، ۱۳۷۹).

¹¹-Thet

¹²-Alport

یافته ها

قبل از بررسی فرضیه های پژوهش به مطالعه توصیفی متغیرها می پردازیم. جدول ۱ مقدار میانگین، انحراف معیار، دامنه تغییرات و حداقل و حداکثر نمرات جهت گیری دینی و هوش اجتماعی را در دو گروه افراد تیزهوش و عادی نشان می دهد.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار جهت گیری دینی و هوش اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره	تعداد
جهت گیری دینی	تیزهوش	۶۱/۶۰	۸/۸۱	۷۷/۷۲	۴۶	۳۵	۹۷
	عادی	۶۲/۸۲	۸/۷۰	۷۵/۸۰	۴۴	۳۷	۸۲
هوش اجتماعی	تیزهوش	۲۹/۶۹	۴/۵۰	۲۰/۲۵	۲۵	۱۶	۹۷
	عادی	۲۸/۹۴	۳/۵۵	۱۲/۶۰	۱۷	۱۹	۸۲

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود میانگین نمرات جهت گیری دینی در افراد عادی بیشتر از تیزهوش و میانگین نمرات هوش اجتماعی در افراد تیزهوش بیشتر از عادی می باشد.

حال باید ببینیم که این تفاوت از نظر آماری معنادار است یا خیر. به همین منظور به بررسی فرضیه های پژوهش می پردازیم.

جدول ۲: تفاوت میزان جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی مستقل	درجه آزادی	سطح معناداری
۹۷	۶۱/۶۰	۸/۸۱			
۸۲	۶۲/۸۲	۸/۷۰	۰/۹۲	۱۷۷	۰/۳۵

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود بین میزان جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی تفاوت وجود ندارد با توجه به سطح معناداری آزمون که ۰/۳۵ می باشد ($p > 0.05$)، می توان اظهار داشت با ۰/۹۵ اطمینان تفاوت میزان جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی از نظر آماری معنادار نیست.

جدول ۳: تفاوت میزان هوش اجتماعی در افراد تیزهوش و عادی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی مستقل	درجه آزادی	سطح معناداری
۹۷	۴/۵۰	۲۹/۶۹			
۸۲	۳/۵۵	۲۸/۹۴	- ۱/۲۲	۱۷۷	۰/۲۲

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می شود بین میزان هوش اجتماعی در افراد تیزهوش و عادی تفاوت وجود ندارد. با توجه به سطح معناداری آزمون که ۰/۲۲ می باشد ($p > 0.05$)، می توان اظهار داشت با ۰/۹۵ اطمینان تفاوت میزان هوش اجتماعی در افراد تیزهوش و عادی از نظر آماری معنادار نیست.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش مقایسه میزان هوش اجتماعی و جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی بود. پژوهش های متعددی به بررسی رابطه جهت گیری دینی با متغیرهای گوناگونی چون شادکامی، سلامت روان، کمال گرایی، امید به زندگی، شیوهای فرزند پروری و..... پرداخته است. از میان انواع هوش نیز با هوش معنوی، هوش هیجانی، هوش اخلاقی سنجیده شده است اما پژوهشی در ایران مبنی بر بررسی رابطه جهت گیری دینی با هوش اجتماعی یافته نشد.

حسنوند و خیری (۱۳۹۲) به بررسی رابطه جهت گیری مذهبی، هوش هیجانی و هوش معنوی با سلامت روانی در دانش آموزان مقطع دبیرستان پرداخته و طبق نتایج بین جهت گیری مذهبی درونی و سلامت روانی، رابطه مثبت و معنادار وجود داشته، بین جهت گیری مذهبی درونی و مشکلات جسمانی، اضطراب، مشکلات اجتماعی و افسردگی رابطه منفی و معنادار، بین هوش هیجانی و سلامت روانی، رابطه مثبت و معنادار ولی بین هوش هیجانی و مشکلات جسمانی، اضطراب، مشکلات اجتماعی و افسردگی رابطه منفی و معنادار، بین هوش معنوی و سلامت روانی، رابطه مثبت و معنادار وجود داشت. رفایی سعید و همکارانش (۱۳۹۳) نیز به بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و هوش معنوی دانشجویان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی جهت گیری مذهبی همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت. اصغری و قاسمی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش های مذهبی با رضایت زناشویی در معلمان متاهل پرداختند و طبق نتایج بین هوش اخلاقی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار، بین گرایش مذهبی درونی با رضایت زناشویی ارتباط مثبت و معنادار به دست آمد و نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که هوش اخلاقی می تواند به طور معناداری ۰/۲۳ از واریانس رضایت زناشویی را به طور معناداری پیش بینی کند.

در این پژوهش به بررسی فرضیه هایی مبنی بر مقایسه میزان هوش اجتماعی و جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی پرداخته شد و نتایج حاکی از این بود که بین میزان جهت گیری دینی در افراد تیزهوش و عادی تفاوت وجود ندارد ($p > 0.05$) و از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست. بین میزان هوش اجتماعی در افراد تیزهوش و عادی نیز تفاوت وجود ندارد ($p > 0.05$) و از نظر آماری این تفاوت معنادار نیست.

منابع

۱. اصغری، فرهاد و قاسمی جوینه، رضا (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش های مذهبی با رضایت زناشویی در معلمان متاهل. فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، سال چهارم، شماره ۱.
۲. آنگ، تون تت (۲۰۰۸)، آزمون هوش اجتماعی، ترجمه محمد مجدیان، تهران، شرکت آزمون یار پویا.
۳. برادبری، تراویس وجین گریوز (۲۰۰۳)، EQ چیست و چرا مهم تر از IQ است، ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۸۷، تهران، نشر ارسباران.

۴. جان بزرگی، مسعود (۱۳۷۸)، بررسی اثر بخشی روان درمانگری با و بدون جهت گیری مذهبی اسلامی بر اضطراب و تنیدگی، مجله روانشناسی، سال دوم، شماره ۸.
۵. حاجی زاده، میترا (۱۳۸۷)، اعتبار یابی مقیاس هوش اجتماعی و رابطه آن با شادکامی و پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۶. حسنونند، باقر و خیری، محبوبه (۱۳۹۲)، رابطه جهت گیری مذهبی، هوش هیجانی و هوش معنوی با سلامت روانی در دانش آموزان مقطع دبیرستان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
۷. رفایی سعیدی، نسرين و یکتا، منینا و مسعودی، شاهد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه جهت گیری مذهبی و هوش معنوی دانشجویان، کنکره بین المللی فرهنگ واندیشه دینی.
۸. شریفی، حسن پاشا (۱۳۸۶)، نظریه و کاربرد آزمون های هوش و شخصیت، تهران، انتشارات سخن.
۹. صفاری نیا، مجید و سلگی، زهرا و توکلی، سوده (۱۳۹۰)، بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه هوش اجتماعی در دانشجویان دانشگاههای استان کرمانشاه، پژوهش های روانشناسی اجتماعی، دوره یک، شماره ۳.
۱۰. کرمی، جهانگیر و زکی، علی و علی خانی، مصطفی (۱۳۹۱)، رابطه جهت گیری مذهبی با میزان تاب آوری و امیدواری در دانشجویان دانشگاه رازی، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال دوم، شماره ۳.
۱۱. کرمی، فریبا (۱۳۸۴)، بررسی رابطه جهت گیری مذهبی (درونی- بیرونی) با افسردگی و اضطراب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۱۲. مختاری، عباس و اللهیاری، عباسعلی و رسول زاده طباطبایی، سید کاظم (۱۳۷۹)، رابطه جهت گیری مذهبی با میزان تنیدگی، مجله روانشناسی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۳. مهربانی طالقانی، شیما و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۰)، بررسی مقایسه رابطه جهت گیری دینی (درونی-بیرونی) با سخت رویی در دانشجویان دختر و پسر، مطالعات روانشناختی، دوره هفتم، شماره ۲.

14. Beheshtifar, M., Roasaei, F., (2012), Role of Social Intelligence in Organizational Leadership, European Journal of Social Sciences, Vol.28 No.2 (2012), pp. 200-206.
15. Buzan,t. (2005). The social genius (translated HvrzadSalehi). Tehran, publisher: pole. (Persian).
16. Crowne, K.A. (2009). The relationship among social intelligence, emotional intelligence and cultural intelligence. Journal of Organization Management, 6(3): 148-163.
17. Dillon,Michel(2003),Handbookof the Sociology of Religion, CambridgeUniversity Press.
18. Dogan, T. &Çetin, B., (2009). Validity, Reliability and Factorial Structure of the Turkish Version of the Tromsø Social Intelligence Scale, Educational Sciences: Theory & Practice, 9 (2), 709-720.
19. Harpreet, Kaur &Asho, Kalarma. (2004). Department college of home science Punjab agriculturaluniversity, Ludhiana, /4/ Punjab, India kalmia- raj 2004.
20. Kirkpatrick, L.A & hood, R. A , (1990). Intrinsic, extrinsic religiousorientation.The boon or bane of cotemporary of religion of religion, Journalfor the scientific study of Religion, 29, (315 - 334).
21. Meijs, N., Cillessen, A. H. N., Scholte, R. H. J., Segers, E., &Spijkerman, R.(2008).Social Intelligence and Academic Achievement as Predictors of AdolescentPopularity.(pp.62-72).BehaviouralSciencInstitute, Radboud University

22. Nijmegen.Suhail, K. ,&Akram, S. (2002). Correlates of death anxiety in pakistan. *Death stud*,26(1):39-50.
23. Moreira-Almeida, at. al (2006):Religiousness and Mental Health: a review, Centerfor the Study of Religious and Spiritual Problems (NEPER), Department of Psychiatry,Universidade de São Paulo (USP),São Paulo (SP), Brazil:131-119.
24. Sabzi, N (2012).A. The pattern of personality and emotional intelligence, self-efficacy , social and communication skills . Master's thesis , University of Shiraz . in Persian
25. Sells, N. (2007).A Social Intelligence Primer. *Journal of Sales and MarketingManagement*, 159(8): 10.